

نقش حزب دموکرات در اعدام شیخ فضل الله نوری

دکتر سینا فروزش^۱

سمیه عمادی رستگار^۲

چکیده

واقعۀ تاریخی انقلاب مشروطیت ایران و شرایط پسا انقلابی آن، که به تجدید قدرت حاکمیت سیاسی پیشین انجامید، زمینه ساز شکل گیری کنش‌های سیاسی متعارض نزد افراد و گروه‌های مختلف سیاسی گردید. این کنش‌ها به عنوان یکی از موانع شکل گیری نظم سیاسی طولانی در کشور گردید. مقاله حاضر به ریشه یابی کنش‌های سیاسی متفاوت و متعارض می‌پردازد و نشان می‌دهد مبانی اجتماعی و فکری متفاوت کنشگران سیاسی عامل اصلی کنش‌های متعارض آنان بوده است. بر این اساس بنیادهای اجتماعی و فکری کنش سیاسی نزد شیخ فضل الله نوری از رهبران مشروطیت و شیخ ابراهیم زنجانی، عضو برجسته حزب دموکرات را در بستر مشروطه خواهی به منظور فهم کنش سیاسی متفاوت آنان واکاوی می‌کند. از مباحث مهم که می‌تواند به عنوان یک پرسش مطرح کرد این است که: «اندیشیدن چگونه می‌تواند در زندگی و در عرصه سیاست به عنوان یکی از ابزارهای عمل جمعی ایفای نقش کند؟» روش تحقیق پژوهش در این مقاله، تاریخی (استقرائی) بوده است و شیوه گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است که به صورت مطالعه تطبیقی به توصیف و تحلیل داده‌ها صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش فوق بیانگر شخصیت و کنش شیخ ابراهیم زنجانی با حزب دموکرات و نقش منفی‌ای که در محاکمه شیخ فضل الله نوری را ایفا نمود بررسی می‌کند. با واکاوی عمیق تر مبانی کنش سیاسی در بستر تاریخ و درک حوادث تاریخی، پایگاه اجتماعی و بنیادهای فکری و تمایزهای اجتماعی وی تحلیل گشته و نتیجه گیری می‌شود.

واژگان کلیدی

مشروطیت، کنش، سیاسی، اجتماعی، فکری، دموکرات

۱ دکتر سینا فروزش، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران، ایمیل: sinaforoozesh@gmail.com

۲ سمیه عمادی رستگار، دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران، ایمیل: rastegar.468@gmail.com

The role of the Democratic Party in the execution of Sheikh Fazlullah Nouri

**Dr. Sina Foruzesh¹
Somayeh Emadi Rastegar²**

Abstract

The historical event of Iran's Constitutional Revolution and its post-revolutionary conditions, which resulted in the renewal of the power of former political sovereignty, led to the formation of conflicting political actions among various political groups and individuals. These actions became one of the obstacles to the formation of a long political order in the country. The present paper seeks to rouse different and conflicting political practices and shows that the different social and intellectual foundations of political activists were the main factor in their conflicting actions. Accordingly, the social and intellectual foundations of political action with Sheikh Fazlollah Nouri of the Constitutional Movement and Sheikh Ebrahim Zanjani, a leading member of the Democratic Party in the context of constitutionalism, in order to understand their different political actions. Among the important issues One can ask as a question: "Thinking of how to play a role in life and in politics as a tool of collective action?" The research methodology in this paper has been historical (inductive). And the method of collecting documentary and library information that has been studied in a comparative study to describe and analyze data. Research Papers The above illustrates the personality and actions of Sheikh Ebrahim Zanjani with the Democratic Party and the negative role played by Sheikh Fazlullah Noori in the trial. Deeply analyzing the foundations of political action in the context of history and understanding of historical events, social base, intellectual foundations and social distinctions, is analyzed and concluded.

Keywords

Constitutionalism, Action, Political, Social, Intellectual, Democratic

¹ Dr.Sina Foruzesh , Faculty member of history group Islamic azad university, Science and research branch, Tehran, Iran, email: sinaforoozesh@gmail.com

² Somayeh Emadi Rastegar, Ph.D. Student department of History, Islamic azad university, Science and research branch, Tehran, Iran, email: rastegar.468@gmail.com

با پیروزی انقلاب مشروطه، فرایند دولت - ملت سازی در تلاش برای نهادینه ساختن آزادی‌های سیاسی و مدنی، قانون‌گرایی، عدالت خواهی، تحدید قدرت سیاسی شاه به قانون اساسی جدید و سایر مطالبات سیاسی ملت سرلوحه کار کنشگران عرصه سیاسی قرارگرفت. رسالتی چینی بزرگ و دشوار از همان آغاز با چالش‌هایی عمیق و ناهموار روبه رو گشت و پیشرفت چشمگیر حاصل نگردید. پذیرش مشروطیت، اقبال عمومی به حاکمیت قانون و تأسیس نهادهای مبتنی بر مشارکت مردم در اداره امور به آرامش اجتماعی و به دنبال آن استقرار نظم سیاسی جدید منجر نشد. از فردای تشکیل مجلس، مهمترین نهاد برآمده از مشروطیت، جدال و کشمکش بین نمایندگان، فضای قانونگذاری مجلس اول را تحت تاثیر قرارداد. باید گفت دوره محمد علی شاه با یک حاکمیت دوگانه و ناسازگاری مصادف بود؛ از یک سو موقعیت طبقه حاکم سابق تغییر محسوسی نکرد، دوباره همان اشراف و ملاکان و صدر اعظم‌ها، مجریان بخش دولتی شدند که چندان دلبستگی به مشروطیت نداشتند. در مجلس اول گرایش‌های سیاسی مشخص از یکدیگر چندان آشکار نبود. این روند در مجلس دوم با شکل‌گیری احزاب سیاسی تشدید شد. مجلس دوم رنگ اعیانی به خود می‌دهد و از اشراف و توانگران پرمی‌شود و به انتخاب نمایندگان توده ملت اعتنایی نمی‌شود. استمرار این وضعیت بیشتر مردم را از مجلس و مشروطه متنفر ساخته بود (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶: ۶۷۷). کار به جایی رسید که هتاک‌ها و دشمنی گاهی جای رفاقت را گرفت (بهار، ۱۳۲۳: ۱۷/۲) ناپایداری سیاسی پس از انقلاب سیاسی امری آشکار است، اما دوام این بی‌ثباتی در فرایندی طولانی قدری نامعقول به نظر می‌رسد. چنین وضعیتی سال‌ها پس از انقلاب مشروطه ادامه داشت. این وضعیت معلول علل متعدد داخلی و خارجی بود. بی‌تردید، کنش‌های متعارض کنشگران سیاسی در تشدید و تعمیق این شرایط شکننده و بی‌ثبات نقشی انکارناپذیر داشتند. محاکمه و اعدام آیت‌الله نوری، از جمله حوادث بی‌سابقه و حیرت‌انگیز در تاریخ مشروطیت و بلکه ایران می‌باشد که از جهات مختلف نظیر: ۱- شخصیت شیخ ۲- دستگیری و محاکمه شیخ ۳- زمان و مکان اجرای حکم ۴- محاکمه فرمایشی ۵- دادستان محاکمه شیخ فضل‌الله نور ۶- مبانی نظری دیدگاه‌های شیخ فضل‌الله نوری ۷- فضای رعب‌انگیز محاکمه، و شتاب و خشونت مجریان حکم در پایان دادن به حیات متهم ۷- پیامدهای حادثه و بالاخره ۸- داوری منفی تاریخ راجع به عاملان فاجعه در خور دقت و مطالعه ویژه است. در واقع باید گفت که جریان «مشروطه سکولار» با میدان‌داری غرب‌گرایانی چون تقی‌زاده، با این عمل کاملاً پوست انداخت و ماهیت ضد دینی خویش را آشکار ساخت. بی‌جهت نیست که پس از این حادثه، موضع مراجع مشروطه‌خواه نجف که تا آن روز نسبت به جناح تقی‌زاده، خوشبینانه و همدلانه بود به سرعت نسبت به جناح مزبور دگرگون شد و یک سال

بعد کار به جایی رسید که آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندارانی، حکم به انحراف تقی‌زاده از اسلام و لزوم اخراج وی از مجلس دادند.

۱- شخصیت شیخ فضل الله نوری

شیخ فضل الله نوری از نفوذ و موقعیت علمی و اجتماعی بسیار مهمی در کشور برخوردار بود و به قول خود یفرم‌خان که شیخ را بر دار آویخت، شیخ نوری روحانی عالیقدری بود که «گفته او برای توده خلق، وحی مُنزل محسوب می‌شد.» (روزنامه خاطرات عین السلطنه، ۲۷۰۷: ۴) بنابراین اعدام وی امر کوچکی نبود. به گفته استاد شهید مطهری: «مرحوم نوری مرد بزرگی بود، مجتهد مسلم و تا حدودی که شنیده‌ایم مرد بسیار پاک و باتقوا و عادل بود. مجتهد مسلم العداله و عادل مسلم الاجتهاد بود.» (هروی، ۱۳۷۲: ۱۴۲) شیخ، در محضر فقیه بسیار برجسته‌ای چون میرزای شیرازی- پرچمدار قیام تنباکو- پرورش یافت و همگان او را از «خواص اصحاب» (تندرکیا، ۱۳۳۵: ۲۲۹)، «اجلّه» (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۱۱۸/۱۱۷) و «نمره اول حاجی میرزا حسن شیرازی» (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۹: ۷۳/۷۵) شمرده اند شیخ فضل الله نوری رهبری نهضت مذهبی را بر عهده داشتیم (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۱۱۷/۱۱۸) و تلاش می کرد ارکان و بنیاد یک انقلاب سیاسی را بر باورهای دین برای تشکیل حکومت شرعی و یا حداقل حکومتی که به مقررات شریعت ارج گذارد، برقرار سازد. اما جمع دو گونه اندیشه برای تشکیل حکومت «دموکراسی مطلق» و «مقررات شریعت» چون از یک تضاد بنیادی برخوردار بود، ناممکن می نمود. با برقراری یکی از آن دو پایمال شدن حقوق دیگری اجتناب ناپذیر بود. در این رابطه تمام تصورات شیخ از حکومت مشروعه به گونه غربی به واقعیت بیشتری نزدیک بود تا باورهای ذهنی همقطاران او از مشروطیت. (اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۵۶۱۰: ۷۳/۷۵)

۲- دستگیری و محاکمه شیخ

مخالفان شیخ با فتح تهران، فرصت را مغتنم شمرده نزد مجاهدان و پیرم خان ارمنی رفته و اظهار داشتند که هرگاه شیخ نوری زنده بماند، امکان دارد در سراسر کشور مردم را وادار به مخالفت با فاتحان تهران کند و حرکتی مذهبی توسط مردم بر علیه آنها به وجود آورد و اگر فرصت از دست برود بیم وقوع همه گونه حوادث مخاطره آمیز خواهد رفت. پیرم خان که نه مسلمان بود نه ایرانی، تصمیم گرفت تا زمانی که مردم هیجان زده هستند، اعدام شیخ را به موقع اجرا بگذارد. (انصاری، ۱۳۷۶: ۳۴۳. صفایی، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۵۵۸. دانشور علوی، ۱۳۳۵: ۶۱)

۱-۲- زمان و مکان اجرای حکم

بدین ترتیب زمانیکه برای اعدام مجتهد بزرگ شهر انتخاب شد روز سیزدهم رجب، سالروز تولد امیر مومنان علی(ع)، ۱۳۲۷ هـ.ق بود. عده ای قریب هفتاد، هشتاد نفر از مجاهدان مسلح ارمنی به فرماندهی یوسف خان ارمنی به خانه مجتهد بزرگ تهران یورش بردند و خانه را محاصره نمودند. رسم است که اعدامها در ساعات آغازین روز سپیده دم یا طلوع آفتاب صورت می گیرد، ولی عناصر تندرو، سنت شکنی کردند و شیخ را به گونه‌ای کاملاً شتابزده در نزدیکیهای غروب روز سیزدهم رجب به دار آویختند. (آبادیان ۱۳۸۳: ۶۶/۶۵) حتی به گفته یکی از شاهدان عینی، شیخ نوری در ضمن استنطاق، اجازه نماز خواست و وقتی به او اجازه دادند عبایش را پهن کرده و نماز ظهرش را خواند. اما دیگر نگذاشتند نماز عصرش را بخواند و دوباره استنطاق را شروع کرده و فرصت انجام نماز عصر را برای همیشه از او گرفتند. گویی تعمد و شتاب داشتند که این کار حتماً در روز تولد پیشوای شیعیان صورت پذیرد! مجری اعدام نیز یپرمان خان ارمنی داشناک بود و چنانکه نوشته‌اند حتی به مبانی مسیحیت نیز باور نداشت

۳- دادستان محاکمه شیخ فضل الله نوری

محاکمه و قتل شیخ فضل الله، از جمله حوادث بسیار تکان دهنده و بهت انگیز و به همان میزان: تأثیر گذار در تاریخ معاصر شمرده می شود. شیخ فضل الله نوری نخستین و تنهاروحانی بود که در این دوران به دار آویخته شد. (آبادیان، ۱۳۸۳: ۱۶۶/۱۶۵) این واقعه عجیب و بی سابقه در تاریخ ایران از جهات گوناگون از نظر شخصیت متهم، هویت محاکمه گران، زمان و مکان اجرای حکم، تشریفات بودن محاکمه و... در خور دقت و مطالعه ویژه بوده و در مجموع می توان گفت که در طول چند قرن اخیر کشورمان، رویدادی بی نظیر بوده است. (ملک زاده، ۱۳۸۳: ج ۶/۲۵۷. گوهرخای، ۱۳۵۵: ۴۰/۵۰. ابوالحسنی، ۱۳۸۴: ۱۳۳) در جامعه عمیقاً مذهبی ایران عصر قاجار، مجتهد پر نفوذ و نامداری چون شیخ فضل الله نوری را دستگیر و محاکمه کنند و حکم اعدام را هم به دست پیر خام (یک ارمنی غیر ایرانی، وحتی بی اعتقاد به مبانی مسیحیت) بسپارند و در روز میلاد پیشوای تشیع (علی علیه سلام) مجتهد شهر را در برابر چشم مردم به دار کشیدند و از هیچ گونه اهانت و خشونت نیز نسبت به پیکر بی جان وی دریغ نکنند! حقیقتاً امری شگفت و بی سابقه است. با مرور بر پرونده اعضای « هیأت مدیره موقتی » انقلاب (که هنگام قتل شیخ، رتق و فتق امور را بر عهده داشتند) و نیز دادگاه عالی انقلاب (که تحت امر هیأت مدیره فوق، رأی به اعدام شیخ دادند) متوجه می شویم که اغلب آنان نظیر سردار اسعد بختیاری، سردار بهادر بختیاری، تقی زاده، وثوق الدوله، حکیم الملک، حسینقلی خان نواب، اعتلاء الملک خلعتبری و ابراهیم زنجانی عضو لژهای ماسونی بوده اند که امروزه به سبب انتشار اسناد و تحقیقات محققین، بخشی مهم از اخبار و اسرار مخفی این لژها، و نقش آنها در ایجاد بسیاری از جریانها مشروطه از جمله: اعدام شیخ فضل الله برملا شده است. (ابوالحسنی، ۱۳۸۴:

۱۳۳/۱۳۴) بنابر گفته های یکی از مورخان معاصر که درباره فراماسونهای ایرانی و نقش آنان در تاریخ یک قرن و اند اخیر کشورمان تحقیقات گسترده ای دارد، «در واقع اعضای محکمه انقلابی، برگزیدگان لژفراماسونری بوده اند و نه نمایندگان خلق انقلابی ایران». (زاوش، ۱۳۶۱: ۵۶) حضور فعال و مؤثر ماسونها در کار محاکمه و اعدام شیخ نوری، این ظن را شدیداً تقویت میکند که محاکمه و قتل مزبور، به دستور لژ صورت گرفته است. چنانکه، سفیر انگلیس سر آرتور نیکلسون در پایتخت تزار، بعد از دریافت خبر اعدام شیخ، به وزیر خارجه لندن نوشت: «شیخ فضل الله برای مملکت خود خطر بزرگی بود، خوب شد که ایران او را از میان برداشت» (رابینو، ۱۳۶۸: ۷۰۰) بنابر این باید به مرحوم آیت الله طالقانی حق داد که در مقدمه خود بر «تنبیه الامه» دخالت بیگانگان را در قتل شیخ نمایان ببیند: «پس از تشکیل مجلس... طرفداران استبداد کرسیهای مجلس را پر کردند و انگشت بیگانگان نمایان شده، کشته شدن مرحوم آقا شیخ فضل الله نوری بدون محاکمه و به دست یک فرد ارمنی، لکه ننگی در تاریخ مشروطیت نهاد.» (نادینی، ۱۳۳۴: ۱۷)

۴- مبانی نظری دیدگاههای شیخ فضل الله نوری

جنبش مشروطه را در تهران دو سید پدید آوردند. صدرالعلماء و حاجی شیخ مرتضی آشتیانی و شیخ محمد رضای قمی و کسان دیگری از ملایان که با آنان همگام می بودند. سپس در ماجرای بست نشینی در مسجد آدینه و کوچیدن به قم حاجی شیخ فضل الله نیز با آنان همراه بود. پس از پیشرفت مشروطه و باز شدن مجلس، دیگران هریکی بهره ای جستند به کنار رفتند. ولی دو سید و شیخ فضل الله همچنان بازماندن، و چون مشروطه را پدیدآورده خود می شماردند از نگرهبانی باز نمی ایستادند. اینان مشروطه را پیش بردند ولی در اندیشه و آرزو یکی نبودند. دو سید خواستار مشروطه و قانون بودند، ولی حاج شیخ فضل الله رواج شریعت. (کسروی، ۱۳۸۵: ۲۸۸. آبادیان، ۱۳۸۳: ۵۶/۵۷) مشروطه مشروع اهل شریعت. (آجدانی، ۱۳۵: ۱۳۴/۱۳۸۵. آدمیت، ۱۵۳۵ شاهنشاهی: ج ۱/۴۱۶) سخن شیخ فضل الله نوری به مردم، حال به شما می گویم در این مدت مکرر گفته و باز می گویم: «همه بدانید که مرا در موضوع مشروطیت و محدود بودن سلطنت ابداً حرفی نیست بلکه احدی نمی تواند موضوع را انکار کند، و [تنها] موقوف داشتن بعضی بدعت ها لازم است.» (ابوالحسنی، ۱۳۸۲: ۱۰۳) وی از آن روز که متوجه شد که کج اندیشان و معاندان با شعارهای زیبای حریت و دموکراسی و برابری درصدد نفی قوانین و دستورات شریعت اسلام هستند، خود را از خیل مشروطه خواهان جدا کرد و با تشریح مواضع اسلامی به مبارزه با آنان پرداخت و مبارزه سرسختانه خویش را بر ضد انقلاب مشروطه آغاز کرد (ذبیح زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۶) بررسی و ارزیابی اندیشه شیخ، از جهات بسیاری حائز اهمیت است. برای مثال این بررسی ما را با سابقه رویارویی نیروهای سنتگرای جامعه با اندیشه های مدرن (در حوضه سیاست) آشنا می سازد. شیخ فضل الله نوری حقیقت مشروطه غرب را به خوبی می دانست، او به درستی بین مشروطه غرب و باورهای رایج دینی نسبتی نمی دید و بر این نکته وقوف داشت

که عرصه قانونگذاری نسبت است و قانون دائماً در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرد و بنا به مقتضیات زمان چیزی از آن کم می‌شود یا به آن اضافه می‌گردد. (آبادیان، ۶۳/۶۵) اندیشه سیاسی شیخ، دو وجه عمده دارد: وجه سلبی ۲. وجه ایجابی. وجه سلبی اندیشه شیخ در انتقاد او به نظریه مشروطه متجلی است. وجه ایجابی اندیشه سیاسی شیخ عبارت است از آرای او درباره حکومت مشروعه. (توکلیان، ۱۳۷۴: ۲۲) شیخ در خصوص بعضی قوانین مجلس نیز به مخالفت پرداخت و سرانجام اظهار داشت که برخی از اعضای مجلس شورا صلاحیت نمایندگی ندارند. (انصاری، ۱۳۷۶: ۲۶۹) پژوهشگران تاریخ مشروطه، از جمله دکتر منصوره اتحادیه راز اعدام شیخ را مقابله وی با اهداف غیر اسلامی جناح تندرو و سکولار مشروطه جستجو می‌کند. به قول شهید مدرس: «کشتن شیخ فضل الله، که از اعلم علمای وقت بود، هم پیروزی بلشویکهای اعزامی به ایران بود، هم پیروزی انگلیس، و هم ضایعه برای علمای نجف و ایران. حادثه بدی بود که هنوز هم علل آن در تاریخ همچنان مجهول مانده است. (ابوالحسنی، ۱۳۵: ۱۳۸۲) در یک تحلیل نهایی درباره شیخ فضل الله نوری باید گفت: نه آن گونه که مدافعان شیخ فضل الله پنداشته اند تفکر، مواضع و نقش او در انقلاب مشروطه ایران در دفاع وی از اسلام و مخالفت او با مشروطیت را نمی‌توان در جهت ترسیم تصویر و تصویری از شیخ به عنوان یک قهرمان حافظ مصالح اسلام و جامعه اسلامی ارتقاع بخشید و به کار گرفت. به نظر می‌رسد شیخ فضل الله مدافع سرسخت یک قرائت سنتی از اسلام و روحانیت بود که در آن چندان نیازی به ضرورت نقد تفکر نهادهای دینی و روحانی و اصلاح طلبی در آن احساس نمی‌شد. هرچند شیخ فضل الله از پاره ای تفکر و تمایلات البته محدود و نه چندان منسجم و مدون ترقی خواهانه و اصلاح طلبی در جهت پیشرفت جامعه برخوردار بود، اما به سبب نداشتن یک تصور روشن از کمال مطلوب خویش و شرایط سخت و پیچیده سیاسی و فرهنگی که او در آن قرار داشت، در عمل نتوانست چندان خود را به یک گفتمان و رفتار خردورزانه برای تعامل سنت و تجدد و درک ضرورت‌ها و نیازهای جامعه ایران نزدیک کند. (آجدانی، ۱۵۳: ۱۳۸۳/۱۵۲)

۵- محاکمه فرمایشی

محاکمه شیخ توسط مشروطه خواهان تندرو، محاکمه ای کاملاً صوری و فرمایشی بود. شیخ را به پای میز محاکمه «فرمایشی» کشیدند (ابوالحسنی، ۱۳۷۹: ۷۹) و دلایل گوناگونی در دست است که نشان می‌دهد صحنه گردانان ماجرا، از قبل تصمیم قطعی به اعدام وی داشته اند. حتی از کلام تقی زاده نیز استشمام می‌شود، آنجا که می‌نویسد: «شیخ فضل الله را گرفته بودند محاکمه می‌کردند... برای اینکه صورت محاکمه ای داشته باشند گفتند که آمدی حکم کشتار مشروطه طلبها را دادی! عاقبت آقا شیخ ابراهیم زنجانی ادعا نامه ای نوشته بود که چاپ شده. گفتند جواب بده، او هم اعتنایی نمی‌کرد!». (ابوالحسنی، ۱۳۸۲: ۱۷۳)

مهدی ملک زاده هم معتقد است محاکمه مزبور صرفاً جنبه صورت سازی داشته و شیخ پیش از محاکمه، محکوم به اعدام شده بود. شمس الدین تندرکیا پس از نقل گزارشها می نویسد: باید نتیجه گرفت که غرض اصلی تشکیل یک محاکمه حقیقی نبوده بلکه می خواسته اند یک ظاهر محکمه ای را به آن داده باشند، می خواستند حفظ ظاهری کرده باشند، حاج شیخ فضل الله پیشاپیش محکوم به اعدام شده بوده است و بقیه فرمالیته بود. باید نتیجه گرفت، که گفت و شنودهایی که در محکمه شده نه طولانی بوده و نه عمیق، و نه منظم و محققاً ادعاینامه ای درمیان نبوده، جمعیت در میدان توپ خانه منتظر بود. (تندرکیا، ۱۳۳۵: ۲۳۵) فردای شهادت آقا ورقه ای منتشر شد مبنی بر محاکمه شیخ فضل الله چیزهایی در آن نوشته شده بود که ابداً و اصلاً ربطی به ماجرا نداشت. (ملک زاده، ۱۳۷۳: ج ۵/۲۶۰) به گزارش محمد علی شوشتری از شاهدان عینی ماجرا و نماینده مجلس شورای ملی - «محاکمه ای از مرحوم شیخ به عمل نیامد. در جلسه ای ابراهیم زنجانی چند سؤال از مرحوم شیخ نموده که مورد استهزاء و تمسخر وی قرار گرفت و بلافاصله زنجانی حکم دار مرحوم نوری را داد». (شوشتری، ۱۳۲۷: ۶) عجیب است که ابراهیم زنجانی، شیخ فضل الله را با استناد به حکم منسوب به آخوند خراسانی، مستحق اعدام شمرد در حالیکه عبدالحسین کفایی به نقل از پدر بزرگش آیت الله حاج میرزای کفایی خبر از تأثر و اندوه شدید آخوند خراسانی در مرگ شیخ، و اقدام ایشان به برگزاری فاتحه در منزل خویش برای وی، می دهد. ابراهیم زنجانی، دادستان دوران مشروطه، ادعاینامه و محاکمه خود را چنین آغاز کرد:

«باقرات ورقه ای که صورت اتهامات شیخ فضل الله نوری، فرزند ملاعباس کجوری (نوری) در آن ذکر شده، دادگاه را شروع می کنیم. وقتی مرحوم مظفرالدین شاه و بعد از او همین محمدعلی میرزای مخلوع، استدعای ملت را قبول کردند و جنابعالی هم با چند نفر از مورخین و علما در استحکام این اساس دخالت داشته، زیاده از هشت ماه اغلب خودت حاضر مجلس دیگران مواد قانون اساسی نوشته و تصیح شد. چه شد که ناگهان عشق عصای امت کردی؟ القاءخلاف میان مردم نموده، علم مخالفت بلند کردی؟ جمعی از اشرار را به دور خودت جمع نمودی، ماده اصل مفسده عظیم را و علت اولی و خونریزی پنجاه هزار پنجاه هزار نفوس ایرانی بی گناه را مطرح کردی؟ اگر مشروطیت حلال و واجب بود، چرا به آن شدت مخالفت نمودی؟ چرا بعد از اینکه مخالفت کردی، مکرر به تو نصایح کردند. یک شب بنده خودم هم بودم، در خانه آقا میرزا سید محمد طباطبایی؛ آقا سید عبدالله بهبهانی هم بود. بیست و پنج نفر از معتبرترین و کلا هم حاضر بودند. قسم غلیظ و شدید به کلام الله یاد کردی که همیشه موافقت با مشروطیت نمایی.

شیخ فضل الله در پاسخ گفت: پس بقیه حرفهایی را هم که زده ام، هم بیان کنید. ابراهیم زنجانی ادامه داد: مجدداً بعد از چند روز قسم را شکستی؛ ندای فساد را دادی و چادر مخالفت زد، باز مجدداً جماعتی رفتند و آمدند. گفتی: مخالفت من در سر همان ماده یک قانون اساسی است. بعد از آن به حضرت عبدالعظیم رفتی؛ و در آنجا کتباً و نطقاً چه افتراها که به وکلا نزدی و چه فسادها که به پا نکردی؟ جنابعالی حضرت

شیخ فضل الله، متهم هستید که اولاً اغتشاش راه انداخته اید. ثانیاً به امر شما چند نفر را به قتل رسانده اند. ثالثاً به مشروطه ای که آقایان علما خواستار آن بودند، مخالفت کرده اید؛ و به این دلایل در پیشگاه عدالت محکوم به مجازات و فنا هستید. قبل از اجرای مجازات اعدام، اگر دفاعی از خودتان دارید، انجام دهید. من مجتهد هستم و بر طبق الهامات قوه اجتهادیه و شمش فقاقت، راهی را که مطابق شرع تشخیص دادم، پیروزی و عمل نمودم». (اعظام قدسی، ۱۳۴۲: ج ۱/۲۵۴/۲۵۳)

اما طبق گزارش های شاهدان عینی پاسخ شیخ فضل الله بیش از این گفته ها می باشد و اغلب مورخان از درج جزئیات و ماجرای محاکمه طفره رفته اند. حاج شیخ فضل الله نوری طرفدار مشروطه مشروعه و اعلم مجتهدان زمان طبق حکم دادگاه اعدام شد. اعدام این روحانی موجب تأسف و تأثر بسیاری از مردم گردید و عده ای به واسطه همین عمل از مشروطه روی گردانیدند. (نامه های مشروطه، ۱۳۹۰: ۲۷)

۶- اعضای دادگاه و تصمیم گیری

اعضای محکمه انقلابی مشروطه از منتصرالدوله پیشکارسپهدار، نظام السلطان، وحیدالملک شیبانی، جعفرقلی خان استانبولی، سالارفتاح، عبدالحمیدخان غفاری کاشی (یمین نظام)، میرزا علی محمدخان [خواهرزاده تقی زاده]، میرزا علی محمدخان عمیدالسلطان، میرزا محمد [مدیر روزنامه نجات] که ترور نافرجام شیخ را در استبداد صغیر سامان داده و در فرایند اعدام وی نقش داشتند، قابل ذکر است، اعتلاءالملک، سید محمد ملقب به امامزاده، جعفرقلی خان بختیاری [سردار اسعد]، شیخ ابراهیم زنجانی، تشکیل شده بود. (بامداد، ۱۳۸۴: ج ۲/۲۶۱) به گفته یک شاهد عینی: بازپرسان محکمه شیخ، همگی مسلح بودند و کسانی که شیخ را بازجویی می کردند جزو گروه ترور مشروطه بودند و بعضاً چند ماه پیش از آن تاریخ در دوران موسوم به استبداد صغیر دست به ترور شیخ گشوده بودند. در این راستا، نام مستعان الملک رئیس کمیته جهانگیر و دیگر اعضای محکمه انقلابی همچون میرزا علی محمد خان، دست پرورده و منسوب تقی زاده و بازپرسان آن عمیدالسلطان رشتی برادر سردار محیی و میرزاکریم خان رشتی، میزاعلی خان دیوسالار و ابوالفتح زاده نیز دست به تیغ بودند و تاریخ قتلها و ترورهای گوناگونی را در پرونده آنان ثبت کرده است. (آجدانی، ۱۳۸۳: ۱۳۸/۱۳۹) شیخ ابراهیم زنجانی بر حرف خویش پایداری و استواری نشان داد. و تقی زاده ضمن اشاره به «صوری بودن» محاکمه، از «بی اعتنایی» شیخ به اعضای محاکمه (ابوالحسنی، ۱۳۷۹: ۷۹) سخن می گوید و احمدکسروی از «خیشتننداری» و «خونسردی» او در پای دار. (همان. کسروی، ۱۳۹۱: ۶۸/۶۹) شیخ فضل الله از زمانی که محبوس شد تا موقعی که اعدام گشت تمام ساعت را به بردباری و متانت گذراند، ضعف نفس از خود نشان نداد. (مشکور، بی تا: ۳۷۳) داوری تاریخ نسبت به نوع محاکمه و اعدام شیخ نوری داوری سخت منفی است و در سیاهه های کسانی که خشونت فجیع جاری در این حادثه را محکوم کرده اند اسامی پاره ای از خود مشروطه خواهان نیز به چشم می خورد. *ادوارد برون یکی از*

سرسخت ترین مخالفان شیخ بوده و در تاریخش از هیچ گونه اظهار کینه نسبت به او دریغ نکرده است. از نامه براون به تقی زاده بر می آید که پخش خبر هولناک اعدام شیخ، در افکار عمومی اروپا سوء تأثیر داشته و این کار را ادامه وحشیگریهای سابق رایج در ایران قلمداد کرده اند. پیترو آواری اعدام شیخ فضل الله را یکی از کارهای زشت و تندروانه مشروطه خواهان می داند (آواری، ۱۳۷۳: ۲۵۱) ابراهیم زنجانی، به عنوان دادستان محکمه ای که رأی به اعدام شیخ نوری داد، بی گمان در انجام این فاجعه، مسئولیتی بزرگ و از جهاتی بی نظیر دارد. دکترشمس الدین تندرکیا: شهادت شیخ نوری، به همان اندازه در تضعیف روحیه اسلامی اثر کرد، که سلطنت میرزای شیرازی در تقویت آن روحیه مؤثر افتاد. (ابوالحسنی، ۱۳۸۲: ۱۸۹) دکتر تندرکیا، از قول یکی از محترمین زنجان نقل می کند که: وی بعد از اعدام شیخ فضل الله، به حدی در زنجان منفور شد که دیگر نتوانست آنجا بماند. (تندرکیا، ۱۳۳۵: ۲۴۲)

زشتی این عمل تا آنجا بوده که خود ابراهیم زنجانی از نسبت دادن آن به خودش فرار کرده است. زنجانی درباره عملکرد خود در هیأت مدیره و محکمه موقتی به دادستان او، و ماجرای به دار کشیدن شیخ فضل الله نوری، بکلی ساکت است و تنها در یکجا مینویسد: «پس از غلبه آزادی، هیأت مدیره تشکیل شد. من عضو بوده و در محکمه موقتی هم عضویت داشتم. چند نفر راهم دار زدند. هرچند به من نسبت دادند که من حکم به دار زدن شیخ کرده ام؛ لکن دروغ بود. بلی! من یک لایحه الزامیه نوشته، اعمالی که او کرده بود درج کرده برای او خواندم. این اشخاص که به دار رفتند مجاهدین می کردند، و قصد داشتند بسیاری از مفسدین که سبب این خون ریختن ها شده بودند و بعد باز فسادها کردند از میان بردارند. لکن از سفارت روس و انگلیس جلوگیری شد. (شهبازی، س ۲ / ش ۲۸ / ۱۱) سخن زنجانی درباره اینکه وی حکم به اعدام شیخ نداده، درست است. چه را که او «مدعی العموم» یا «دادستان» محکمه بوده و می دانیم که دادستان، شأن قضاوت و صدور حکم را ندارد. در معنی، رتبه وی فروتر از قاضی است. اما نکته این است که زنجانی، باتوجه به توضیحاتی که بیان می کند، گویی نقشی در اعدام شیخ نداشته و به او نسبت داده اند. «به من نسبت دادند که من حکم به دار زدن شیخ کرده ام؛ لکن دروغ بود. بلی! من یک لایحه الزامیه نوشته، اعمالی که او کرده بود درج کرده برای او خواندم. این اشخاص که به دار رفتند مجاهدین می کردند.» زنجانی، در آن وانفسا که از در و دیوار بوی خون می آمد کیفرخواستی شدیداً تند و تحریک آمیز نوشته و با صدای بلند خوانده و بر اعدام شیخ اصرار ورزیده است. در چنان فضایی آیا اگر کسی بیاید و به عنوان دادستان محکمه انقلابی سیاهه ای دراز از انواع جنایت ها و خیانت ها را طی نطقی غرا، به فقیه بزرگ شهر نسبت دهد و بر لزوم مجازات او اصرار ورزد و به دروغ اعلام کند که مراجع تقلید در نجف او را «مفسد فی الارض» شمرده و حکم به اعدام وی داده اند، و سپس به دست جلادانش بسپارد، کافی نیست که او را شریک بلکه عامل مهم در قتل شیخ بدانیم؟

نتیجه

انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تاریخ سیاسی کشور ماست. کشور به انقلاب مشروطه به روایتی از مرحله دیکتاتوری به مرحله مشروطه قدم گذاشت و از خودکامگی رها گشت. انقلاب مشروطه دوره دیکتاتوری سنتی را به دیکتاتوری مدرن تبدیل نمود. انقلاب مشروطه باورهای مذهبی مردم را به سُخره گرفت و با برنامه ریزی زمان بندی شده که قدرتهای استکباری تنظیم کرده بودند، به تدریج مردم را از اسلام سیاسی جدا کرد و وارد مرحله سکولاریسم نمود.

در جریان انقلاب مشروطه، به ویژه پس از تشکیل مجلس شورای دوره اول، در کنار گفتمان و جریان فکری قدرتمند مشروطه خواهی، که نحله فکری روشنفکری و هم نحله فکری علماء مشروطه خواه، از آن حمایت و پشتیبانی می کردند. به تدریج شاهد شکل گیری جریان فکری مؤثر و منتقد، مشروعه خواهی به رهبری شیخ فضل الله نوری می باشیم. این جریان فکری در چارچوب افکار و اندیشه های سنت گرایانه خود، با هرگونه تجدد طلبی به ستیزه برخاسته و حکومت مشروطه و همه اصول و مفاهیم آن را مغایر با مبانی شریعت اسلامی می دانستند.

از دیدگاه آنان هیچ پیوندی میان دین و شریعت اسلامی با اندیشه های تجدد طلبانه و مدنیت وجود ندارد. به هر تقدیر حضور مؤثر و قدرتمند نحله فکری علمای مشروطه خواه که با طرح سئولات و شباهتی که در مورد مبانی و اصول مشروطه مطرح نموده اند. نقش بسیار مهمی در صحنه تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی، عصر مشروطه داشته اند و همچنان تا به امروز نیز این جریان فکری، نقش بسیار مهمی در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران دارد. علمای مشروطه خواه نصوص دینی را بدون توجه به شرایط متحول زمانی و تطبیق بر واقعیت های اجتماعی، تفسیر و اجتهاد می کردند. به همین دلیل آنان در برابر پدیده ها و تحولات جدید مانند انقلاب مشروطه انعطاف لازم را نداشتند و مورد انکار قرار می دادند. در واقع علمای مشروعه خواه نتوانستند میان برداشت و اجتهاد خود از شریعت اسلامی با شرایط متحول زمانی و نیازها و مسائل نوپدید ارتباط منطقی برقرار نمایند .

یکی از نکات منفی در عملکرد سران فاتح تهران ، دستگیری و اعدام « شیخ فضل الله نوری » بود. اقدامی که از آن با عنوان جنایت قرن نام می برند. شیخ فضل الله نوری والاترین روحانی و مجتهد دوران مشروطه در تهران بود که از نفوذ زیادی در بین مردم برخوردار و مورد وثوق علماء و مراجع نجف اشرف نیز بود. وی در تحسن و مهاجرت علماء و احاد مردم نقش بسزایی ایفا کرد. مشروطیت تا حد زیادی مرهون مجاهدت وی بود. محاکمه و قتل شیخ فضل الله، از جمله حوادث بسیار تکان دهنده و بهت انگیز و به همان میزان: تأثیر گذار در تاریخ معاصر شمرده می شود این واقعه عجیب و بی سابقه در تاریخ ایران از جهات گوناگون از نظر شخصیت متهم، هویت محاکمه گران، زمان و مکان اجرای حکم، تشریفات بودن محاکمه و... در خور دقت و مطالعه ویژه بوده و در مجموع می توان گفت که در طول چند قرن اخیر کشورمان، رویدادی بی نظیر بوده

است غالب تاریخ‌نویسان مشروطه، شیخ‌فضل‌الله نوری را با عنوان طرفدار استبداد معرفی کرده‌اند و در محکومیتش قلم زده‌اند اما محاکمه و اعدام این فقیه بزرگ، چهره دیگری از او در تاریخ باقی گذاشته و جوی را که در اجتماع اواخر عمر او پیدا شد تا این اقدام را در حضور مردم موجه نماید در هم شکست

عامل دیگری که در به شهادت رساندن شیخ فضل‌الله موثر افتاد جهل و عدم آگاهی مردم از نقشه‌های دشمن و اقدامات پشت صحنه ماجرا بوده که به افکار عمومی چنین القا کرده بودند که شیخ فضل‌الله و افکار او مانع تحقق مشروطه و آزادیخواهی می‌باشد.

کتاب نامه

ابوالحسنی، علی. ۱۳۷۹. آخرین آواز قوا! بازکاوی شخصیت و عملکرد شیخ فضل الله نوری براساس «آخرین برگ، زندگی او «فرجام» مشروطه. تهران: عبرت.

ابوالحسنی، علی. ۱۳۸۴. شیخ ابراهیم زنجانی زمان، زندگی، خاطرات به ضمیمه بحثی در ولایت تکوینی پیامبر و ائمه معصومین(ع). تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

احمدکسروی، احمد. ۱۳۹۱. تاریخ هجده ساله آذربایجان. تهران: نگاه.

اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. سند شماره ۵۶۱۰. درباره وابستگیهای ماسونی و انگلیسی مفتاح السلطنه و نیز اعتلاء الملک، در مقاله «مشروطه و رژیم پهلوی، پیوندها و گسستها» مندرج در مجله تاریخ معاصر ایران. سال چهارم پاییز و زمستان ۷۹.

انصاری، مهدی. ۱۳۷۶. شیخ فضل الله نوری و مشروطیت. تهران: امیرکبیر.

آبادیان، حسین. ۱۳۸۳. بحران مشروطیت در ایران. تهران موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

آجدانی، لطف الله. ۱۳۸۳. علما و انقلاب مشروطه ایران. تهران: اختران،

آجدانی، لطف الله. روشنفکران ایران در عصر مشروطیت. تهران: اختران.

بامداد، مهدی. ۱۳۸۴. شرح حال رجال ایران. ۶ جلد. تهران: فردوس.

پیتر آواری، پیتر. ۱۳۷۳. تاریخ معاصر ایران، از تأسیس تا انقراض سلسله قاجار، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: عطایی.

تندرکیا، شمس الدین. ۱۳۳۵. نهیب جنبش ادبی، شاهین تهران: روزنامه سیاسی فرمان.

جلال توکلیان، جلال. ۱۳۷۴. اندیشه سیاسی شیخ ابراهیم زنجانی، ش ۲۷.

جواد مشکور، محمد. بی تا. تاریخ ایران زمین، از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه. تهران: اشراق.

حسن اعظام قدسی، حسن. ۱۳۴۲. کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله، ۲ ج. تهران: بی نا.

رابینو. کتاب آبی، مشروطه گیلان. به کوشش احمد روشن. تهران: طاعتی.

زاوش، ح.م. ۱۳۶۱. رابطه فراماسونری با صهیونیسم و امپریالیسم. تهران: آینده.

شوشتری، محمد علی. ۱۳۲۷. «چرا مرحوم شیخ فضل الله نوری به دار آویخته شد؟»، روزنامه اطلاعات، ۲۲ دی.

شهبازی، عبدالله. زندگی و زمانه شیخ ابراهیم زنجانی جستاری از تاریخ تجددگرایی، مجله زمانه، س ۲، ش ۱۱.

صفایی، ابراهیم. رهبران مشروطه، ۲ ج. تهران: جاوید.

علی ابوالحسنی، علی. ۱۳۸۲. خانه بر دامنه آتشفشان. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

فریدون آدمیت، فریدون. ۱۵۳۵ شاهنشاهی. ایدئولوژی نهضت مشروطه ایران. ۲ ج. تهران: پیام.

کسروی، احمد. ۱۳۸۵. تاریخ مشروطه ایران. تهران: نگاه.

گوهرخای، محمد باقر. گوشه ای از رویدادهای انقلاب مشروطیت ایران. تهران: سپهر.

ملک زاده، مهدی. ۱۳۷۱. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. ۷ ج. تهران: سخن.

میرزای نائینی. ۱۳۳۴. تنبیه الامه...، مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی. تهران.

نامه‌های مشروطه: دوره دوم مجلس شورای اسلامی (صفر ۱۳۲۷ - ربیع الثانی ۱۳۲۸ هـ.ق)،

۱۳۹۱. به کوشش ابراهیم ذوالفقاری. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

نقی زبیح زاده، علی نقی. ۱۳۸۹. «نقش آیت الله شیخ فضل الله نوری در نهضت مشروطیت»، مجله معرفت،

س ۱۳۸۹، ش ۴۱.

نورالله دانشورعلوی، نورالله. ۱۳۳۵. تاریخ مشروطه و جنبش وطن پرستان و جنبش اصفهان و

بختیاری. تهران: سینا.

